



راهبرد آموزشی شهید رجایی

راهبرد آموزشی شهید رجایی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در شرایطی که بیگانگان نزدیک به پنجاه سال سلطه فرهنگی خود را بر کشور گسترانیده بودند سبب تغییر نگرش در آموزش و پرورش شد. وابستگی مدرسه ها به عنوان نخستین نهادهای تربیتی به دولت اسلامی و حذف عناصر وابسته به نظام شاهنشاهی از سیستم آموزش از جمله عمده ترین فعالیت های شهید رجایی است.

بدین ترتیب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش و تربیت نیروهای اساسی و متعهد انقلابی، نقطه کانونی فعالیت های فرهنگی به شمار می رفت. گذر از نظام آموزشی حکومت پهلوی به نظام جمهوری اسلامی، فقط در سایه ایجاد تحول در طرز تفکر و نگرش عوامل انسانی و دستگاه های اجرایی وزارت آموزش و پرورش ممکن و عملی بود. لذا پس از انقلاب، ابتدا در تشکیلات اداری وزارت آموزش و پرورش تغییراتی به عمل آمد و سپس در شرح وظایف دفاتر و تشکیلات آموزشی تجدیدنظر گردید و برای هماهنگی و پیشبرد نظام آموزش جدید چندین اداره و معاونت جدید به وجود آمدند.

شهید رجایی در دوران پس از پیروزی انقلاب با توجه به زمینه های ذهنی و تجربه های عملی که در طول سالیان دراز در عرصه تعلیم و تربیت به دست آورده بود، وارد فعالیت در عرصه های مختلف آموزش و پرورش شد و نقش بنیانی در تحقق انقلاب فرهنگی و به ثمر رسیدن اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی داشت. بازگشایی مدارس، مقابله با نیروهای چپی، غربی و ضد انقلاب، شناسایی، معرفی و جذب نیروهای متعهد به انقلاب و واگذاری مسئولیت ها به افراد متعهد و مکتبی و اقداماتی از این قبیل نمونه ای از فعالیت های انجمن اسلامی معلمان و رجایی در اوایل انقلاب بوده است. شهید رجایی از ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ و در دولت مهندس بازرگان، مدتی را به عنوان سرپرست موقت وزارت آموزش و پرورش و سپس کفیل وزارت آموزش و پرورش درآمد و پس از استعفای بازرگان و پایان کار دولت موقت به حکم شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۵ با سمت وزیر در رأس آموزش و پرورش قرار گرفت. بدین ترتیب اولین اقدام او در رأس وزارت آموزش و پرورش، دولتی کردن مدارس ملی و یک شکل کردن آموزش و پرورش بود.

معتقد به آموزش و پرورش

چه فرقی می کند رجایی وکیل باشد یا وزیر یا حتی نخست وزیر؛ او قبل از هر چیز پدر و همسر یک خانواده بود، اما این مسئله سبب نمی شد کار انقلاب را عقب بیندازد، روزهای پراشتاب آغاز دهه ای تازه از عمر نظام اسلامی بود و انقلاب نوپا و صبح و شب نیاز به پاسداری و مراقبت داشت، بصیرت و دشمن شناسی رجایی درست در این برهه اقداماتی کرد تا استخوان بندی انقلاب محکم شود و ضریب فساد در آینده کاهش یابد. همسر شهید رجایی نیز در خاطره ای خواندنی از اقدام وی در وزارت آموزش و پرورش گفته است.

افرادی که نباید در آموزش و پرورش باشند

دیدم ایشان چرت زد. چنان در حال بررسی پرونده ها چرتش برده بود که دلم سوخت. به بچه ها گفتم با اشاره بگذارید باباتون بخوابد، خسته است. وقتی ایشان حس کرد بچه ها حرفشان قطع شده، گفت: نه بگذار بچه ها حرفشان را بزنند ... کاملاً احساس می کردم هم می خواهد به کار و مسئولیتش برسد، هم جوابگو بچه ها باشد. خلاصه احساس کرد که بچه ها به او نیاز دارند. بلند شد رفت دست و صورتش را آب زد و آمد نشست به بچه ها گفت، بچه ها حرف هایتان را بزنید.

همسر شهید: می گفت نیروهای حذفی که ضد انقلاب بودند نباید داخل فرهنگ بمانند. به طوری که من یک شبی ایستادم و نگاه کردم و دیدم اینها را آقای رجایی برایشان ۵ و ۶ سال ارفاق می زد که مثلاً بازنشست شان کند. بعد من می گفتم آقای رجایی چکار می کنی این همه مثلاً ارفاق؟ می گفت: بعضی ها را باید تخلیه کرد، بهشان پول بدهیم، ازشان هم خواهش و تمنا کنیم تا داخل آموزش و پرورش نباشند. یک همچین وضعیتی بود.

بچه ها نشسته بودند با ایشان حرف می زدند، من

نگاه پدر در تألیف و تغییر کتب درسی یک نگاه تربیتی بود

نام رجایی و باهنر در کنار یکدیگر مصداق بارزی از تعلیم و تربیت است؛ انکار معلمی و تعلیم در رگ های این دو رفیق ریشه دوانیده بود، جمیل رجایی فرزند نخستین وزیر آموزش و پرورش انقلاب اسلامی از دغدغه های فرهنگی پدر در روزهای تصدی مسئولیت می گوید:

جمیله فرزند شهید رجایی: ما طوری تربیت شده بودیم که خیلی پست و مقام ها برایمان مهم نبود. اتفاقاً چون می دانستیم پدر درگیر کار بشوند و سرشان شلوغ باشد، کمتر می توانند به ما رسیدگی کنند، بنابراین خوشحال نبودیم. [خنده]

نگاه پدر در تألیف و تغییر کتب درسی یک نگاه



تربیتی بود و در همین راستا حرکت می کردند تا جایی که به همراه آقای باهنر پایه گذار علوم تربیتی بودند ایشان. همین طور از مؤسسان مدرسه رفاه نیز بودند. در مجموع فکر می کنم به خاطر اهمیتی که به تربیت می دادند، رویکردشان؛ رویکردی تربیتی بود.

